

## بررسی عناصر تطبیقی نمایشنامه رومئو و ژولیت شکسپیر با لیلی و مجنون نظامی

مهدی امیری<sup>۱</sup>

مربی، عضو هیات علمی دانشکده هنر دانشگاه زابل  
(art.amiri@uoz.ac.ir)

### چکیده

شکسپیر و نظامی دو شاعر افسانه سرای بسیار حساس و خوش سخن اند که نماینده تمدن شرق و غرب می باشند. ولی قبل از هر انتسابی هر دو به خاندان عظیم انسانیت منسوبند. هر دو دارای یک گونه حواس ظاهر و باطن می باشند، در همان حال از دو تمدن بزرگ بشری حکایت می کنند. مقاله مورد نظر در کلام این دو گوینده ی آسیایی و اروپایی به خوبی دلیل بر این دارد که نوع انسان در این عاطفه شریف وحدت کامل و اشتراک مطلق دارد و اگر از اغراض نژادی و تعصبات ملی که از منافع خسیسه ی مادی یا هواهای ناپسند نفسانی ناشی می شود پاک و میرا می گردد، در انجام و آغاز شریک بوده و خواهند بود. این مقاله توصیفی تحلیلی می باشد و سعی شده است در موارد اشتراک این دو داستان سخن گفته و هم مواقع اختلاف آن را نشان دهد تا در اولی معلوم گردد که آدمیزاد در اصل و مبدا یک خلقت طبیعت و یک نوع احساس دارد و انتها و سرانجام او نیز یکی است و در ثانی مشاهده می شود که قریحه شرقی و غربی در رقت معانی و سبک و بیان وقایع و اختراع حکایت با یکدیگر تا چه اندازه مخالف و موافق هستند.

**کلمات کلیدی:** رومئو و ژولیت، لیلی و مجنون، نظامی، شکسپیر، عناصر تطبیقی.

### ۱-مقدمه

حکایت رومئو و ژولیت در آداب ممالک اقصای غرب به همان اندازه شهرت و مکانت دارد که داستان لیلی و مجنون در ادبیات شرق نزدیک. هر دو افسانه عشقی و غم انگیزند، که در آن عاشقی دلداده و محبتی خالص و سوزان به معشوقه خوبرو دلباخته، و پس از یک رشته حوادث پر اندوه عاشق و معشوق به نا کامی جان می سپارند. اگر در نزد ملل غرب از انگلستان گرفته تا ایتالیا همه جا اسم رومئو رمز محرومی و ناکامی است، در نزد ملل شرق از غرب گرفته تا اجم نام مجنون اشاره به حرمان و ناامیدی می کند و اگر آن اقوام، ژولیت را به پاکدامنی و وفاداری می ستایند در خاور نزدیک نیز لیلی به عفاف و محبت صادق ستوده اند.

در طول مدت چند سال لطائف ذوق شعرهای صاحب قریحه به نام این دو عاشق و معشوق، آتش طبع خو در بر افروخته و به هر فکر لطیف و نکته ی دقیق که در خاطر آنها خطور کرده از زبان مجنون یا از قول رومئو کسوت و الفاظ پوشانده اند تا در عالم وجود بشری از عشق و عاشقی نامی باقیست این دو داستان برای نمایش مظاهر آن زیباترین بیان و جامع ترین توصیف می باشد. مقایسه این داستان برای صاحبان ذوق دقیق مطالعه آن بس شیرین و گواراست، از یک سو وحدت افکار انسان و توافقی طبایع و احساسات آدمیان را از هر نژاد و جنس که باشد نشان می دهد و از یک سو اختلافی که مابین ذوق غربی و قریحه ی شرقی در جزئیات و دقایق احساس موجود است جلوه گر می سازد.